

مدرس طباطبائی

نمونه های نثر

و نظم فارسی

درد و قرن نخستین هجری

(۲)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۴- ابن عبدربه اندلسی (۱) در کتاب «العقد الفرید» از ابوزید انصاری -
در گذشته سال ۵۲۱۵ هـ - نقل میکند که: «مرد پارچه بافی از اهل هند مست شده ،
قسم خورد که چنانچه ابوعلی اشرس برای او نوازندگی نکند ، زنش مطلقه باشد
عده ای با او پیش ابوعلی آمدند و ماجرا را تعریف کردند . ابوعلی چند کلمه
بفارسی با او سخن گفته ؛ و سپس بساو گفت : دیگر از این کارها
نکن !» (۲)

۱- متولد سال ۲۴۶ و در گذشته ۵۳۲۷ هـ .

۲- العقد الفرید . جلد ۶ . ص ۷-۴۳۶ (چاپ قاهره).

عبارات فارسی که در بدو خطاب ابوعلی به‌مرد هندی گفته، عیناً در کتاب مزبور چنین آمده:

«یا مورد سبز، یا مورد خوش، یا مورد تر»! (۱)

۵- راغب اصفهانی (۲) در کتاب «محاضرات الادبیه و محاورات الشعراء والبلغاء» بیت معروف:

«و کاساً شربت علی لذة و آخری تداویت منها بها»

را که بنقل جاحظ در کتاب الحیوان از ابونواس است (۳) به‌داعشی، شاعر

معروف عرب در ابتدای ظهور اسلام - نسبت داده، سپس مینویسد:

داعشی در میخانه‌ای که متعلق بیک زن ایرانی بود، در گذشته از زن

می‌فروش پرسیدند: داعشی بچه سبب مرد؟ گفت: همین شعر او را کشت!

راغب جمله‌ای را که زن مزبور فارسی گفته است: چنین نقل میکند:

«منها بها، کشفش»! (۴)

جملات و عبارات فارسی دیگری در کتابهای تاریخ طبری، «البیان و

الثبیین» جاحظ و «محاضرات» راغب مربوط بدو قرن نخستین هجری دیده

میشود که نقل همه آنها لزومی ندارد. و اینها با استثناء الفاظ و کلمات فارسی

فراوانی است که در کتابهای عربی قرن سوم مخصوصاً کتاب جاحظ بچشم میخورد.

ج- عبارات فارسی در روایات مذهبی

هر چند در روایاتی که از معصومین (ع) در کتب حدیث قرون اول تدوین

۱- مورد: آس، درخت سرسبز مشهور.

۲- در گذشته بسال ۵۵۰۲.

۳- الحیوان، ج ۷، ص ۱۶۴ (چاپ قاهره).

۴- محاضرات، ج ۲، ص ۶۷۷ (چاپ بیروت). این داستان را ابن عبدربه

نیز در العقد الفرید (ج ۶- ص ۳۷۸) نقل نموده. لیکن آنرا بمردی نسبت داده و فقط ترجمه عربی عبارت را آورده است.

وضبط شده ، الفاظ فارسی فراوانی دیده میشود که در قرنهای مزبور وارد زبان عربی شده بوده است. لیکن در چند مورد عبارات و کلماتی بهمان صورت اصلی و بعنوان لفظ فارسی در روایات آمده ؛ که بدو سه مورد آن اشاره میشود .

۱- از تفسیر فرات بن ابراهیم - از محدثین و روایت قرن سوم - نقل شده است که: روزی پیغمبر خدا (ص) بخانه فاطمه آمد. حسن و حسین گرسنه بودند. چون پیغمبر را دیدند، بشانه او آویزان شده و می گفتند:

«یا بابا! قل لماما. یطعمنا فاننا» (۲)

یعنی: ای پدر. بپادردمان بگو بمانان بدهد. (ظاهر آحسنین این چند کلمه را از سلمان فرا گرفته بودند).

۲- قطب الدین راوندی (در گذشته سال ۵۷۳ هـ) در کتاب (الخراج والجرائح) روایت کرده است که: ابن مسعود نقل نمود که در مسجد پیغمبر نزد امیر المؤمنین نشسته بودم. در این هنگام مردی از مقابل ما گذشت که میگفت: کیست مرا بشخصی راهنمایی کند که از او علمی فراگیرم ؟ . گفتم: ای مرد! شنیده‌ای که پیغمبر فرموده: من شهر علم هستم و علی در آنست ؟ گفت: آری. گفتم: پس کجا می روی؟ اینک علی بن ابیطالب! مرد بر گشت و در محضر مولا (ع) زانو زد. حضرت فرمود: از کجا هستی؟ گفت: از اصفهان. فرمود: بنویس که علی بن ابیطالب بمن گفت پنج خصلت در اهل اصفهان نیست... (و خصال مزبور را می شمرند)

سپس اصفهانی گفت: بیشتر بگو یا امیر المؤمنین. حضرت بزبان اصفهانی

قدیم فرمود:

«اروت این و س» (۲)

یعنی: امروز همین مقدار بس است.

۱- سفینه البحار؛ ج ۱. ص ۱۹۳ بنقل از بحار الانوار. ج ۹ ص ۵۱۵ (چاپ

کمپانی).

۲- بحار الانوار. ج ۹. ص ۵۸۲ (چاپ کمپانی).

۳- پس از جریان سقیفه بنی ساعده، در احتجاجاتی که اصحاب بزرگ رسول خدا (مانند سلمان، ابوذر، مقداد، ابی بن کعب و...) نموده؛ اعتراضاتی که نسبت بتغییر فرمان الهی در مورد خلافت کردند، سلمان در ابتدای خطاب اعتراض خود بفارسی گفت:

«کردید و نکردید!» (۱)

۴- در زمان حضرت امیر (ع) بازار کوفه - مقرر و پایتخت خلافت اسلامی - در دست ایرانیان بود (۲). حضرت پاره‌ای روزها بی‌بازار می‌آمدند؛ و مردم را موعظه می‌فرمودند. بازار بهار وقت حضرت وارد باز می‌شد، می‌گفتند: «مردشکنبه، آمد!» (۳)

«کلمه «مردشکنبه» بمعنی مرد چاق و فربه است. حضرت در جواب آنان می‌فرمود: بالای آن علم و پائین آن طعام است.

۵- کلینی در کتاب کافی روایتی بسند خود از حضرت صادق روایت نموده که: برای پدرم از مصر متاعی آوردند. پدرم طعامی تهیه نموده، تجار را فراخواند. بازرگانان گفتند: ما این متاع را از توبه «ده دوازده»، می‌خریم... (۴)

۱- این جمله در بیشتر کتب روایت و تاریخ نقل شده؛ و از جمله در احتجاج طبرسی (از علماء قرن ششم) ص ۴۳ چاپ سنگی (باب ذکر طرف ماجری بعد وفات رسول الله).

۲- دینوری در کتاب اخبار الطوال (ص ۲۵۴) مینویسد: در زمان مختار نیمه دوم قرن اول هجری - در کوفه قریب بیست هزار نفر ایرانی اقامت داشتند که با آنان حمراء می‌گفتند.

۳- کتاب «الغارات» از ابراهیم بن محمد بن سعید ثقفی در گذشته بسال ۲۸۳؛ بنقل بحار الانوار ج ۲۳ ص ۲۷ (چاپ کمپانی) و سفینه البحار ج ۱ ص ۶۷۴.

۴- فروع کافی ج ۱ ص ۳۸۵ (چاپ تهران ۱۳۱۲ ق). در «تهذیب» شیخ طوسی (ج ۲ ص ۱۳۳ چاپ سنگی) و «من لایحضره الفقیه» صدوق (ج ۲ ص ۷۱ چاپ لکهنو ۱۳۰۷) نیز نقل شده.

کلمه «ده دوازده» که بمعنی خریدن چیزی به پنج يك قیمت اصلی سود (متاع ده درهم بدوازده درهم) است، از الفاظ فارسی است که در نتیجه معاشرت اعراب با ایرانیان در بین اعراب مصطلح گردیده بوده.

۶ - نیز در کافی روایت دیگری با سند خود از امام صادق (ع) نقل می کند که امام فرمودند . من خرید و فروش به «ده یازده و دوازده» رادوست ندارم... (۱)

۸۰۷- در روایت دیگری از امام صادق (ع)، راوی حکم خرید و فروش با نسبت ربیع بمال را ، با تعبیر « بده دوازده » و « بده یازده » استفسار می کند . (۲)

۹- در روایتی که صدوق در عیون اخبار الرضا آورده است . از ابوواسع محمد بن یحیی نیشابوری نقل میکنند که چون حضرت رضا (ع) وارد نیشابور شد، بمحله غریبی فرود آمد (که آنجا را سناباد میگویند) وارد خانه شخصی بنام «پسند» شد. البته «پسند» نام اصلی این شخص نبود، بلکه چون حضرت رضا (ع) او را از میان مردم «پسندیده» بود، وی باین نام معروف گردید. (۳)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱- فروع کافی ج ۱ ص ۳۸۵. در تهذیب الاحکام شیخ طوسی نیز نقل شده (ج ۲ ص ۱۳۳).

۲- فروع کافی ج ۱ ص ۳۸۷ (روایت جعفر بن حنان) . تهذیب شیخ طوسی ج ۲ ص ۱۳۳ (روایت علا - در قرب الاسناد حمیری ص ۱۵ نیز نقل شده).

۳- عیون اخبار الرضا ج ۱ ص ۲۷۳ - ۳۵ باب - (چاپ ۱۳۱۸) .